

رویکرد دولتهای ساحلی و رژیم حقوقی دریای خزر

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱۶ تاریخ تأیید:

۸۹/۱۱/۲۵

دکتر علی اکبر جعفری *

ناصر بهمنی **

تحول نظام جهانی در اثر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ورود سه کشور جدید به جمع کشورهای حوزه ساحلی دریای خزر، وضعیت حقوقی این دریا و چگونگی بهره‌برداری از منابع نفت و گاز آن اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. هدف از این تحقیق، بررسی مواضع و ایستارهای دولت‌های ساحلی، به ویژه استراتژی جمهوری اسلامی ایران و نیز آخرین تحولات رژیم حقوقی دریای خزر می‌باشد.

در این مقاله تلاش شده است فرآیند موضعگیری دولت‌های ساحلی، همراه با ارائه راهبردها و راهکارهای اجرایی لازم برای تأمین حقوق کلیه دولت‌های ساحلی، به ویژه منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تبیین شود. تحقق این اهداف، تنها با اجماع نظر و رضایتمندی کلیه دولت‌های پنجگانه ساحلی بدون دخالت دولت‌های فرامنطقه‌ای میسر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: رژیم حقوقی، دریای خزر، همکاری، منافع ملی، اجماع نظر.

* عضو هیأت علمی و مدیر پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

** کارشناس ارشد حقوق بین الملل.

مقدمه

اهمیت بین المللی و استراتژیک دریای خزر در چند دهه اخیر به طور فزاینده‌ای رو به افزایش است؛ در حالی که بخش عمده‌ای از تاریخ در انزوا بود. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و تولد دولت‌های جدید در حاشیه دریای خزر، و مطرح شدن وضعیت حقوقی، این دریاچه به صورت یکی از جنجال برانگیزترین مسائل دولت‌های منطقه خزر تبدیل شده است. اکتشاف منابع سرشار نفت و گاز در منطقه دریایی، ضرورت حل مسئله دوگانه رژیم حقوقی دریا و نیز حقوق بهره‌برداری از معادن بستر خزر را اجتناب‌ناپذیر کرده است. علاوه بر روسیه و ایران به عنوان دولت‌های سنتی حاشیه دریای خزر، دولت‌هایی چون آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان نیز به عنوان واحدهای مستقل و دارای حاکمیت، به دریای خزر دسترسی پیدا کرده‌اند. بدین ترتیب، این پهنه آبی به فصل مشترک و نقطه اتصال ۵ کشور مهم این منطقه تبدیل شده است. خزر به منزله بزرگ‌ترین دریاچه محصور در خشکی که وسعتی برابر با مساحت ژاپن دارد، می‌تواند به عنوان نمادی از نوع همکاری منطقه‌ای و بین المللی موفق باشد.



بعد از مناطق نفت‌خیز خلیج فارس و سیبری، حوزه خزر بزرگ‌ترین منبع نفت و گاز شناخته شده دنیا می‌باشد. کشورهای منطقه خزر در آینده پس از خلیج فارس، از منابع مهم تأمین انرژی جهان خواهند شد و تأثیر قابل توجهی در توازن انرژی جهانی و بازارهای بین المللی نفت خواهند داشت.^۱ بدین سبب، این حوزه به موازات ظرفیت و توانایی برقراری تعامل و همکاری منطقه‌ای، از سوء تفاهم‌ها، اختلافات و نیز مداخله‌گرایی قدرت‌های فرا منطقه‌ای، به ویژه ایالات متحده آمریکا، آسیب‌پذیر است که در صورت توسعه آن، در ایجاد واگرایی و تنش میان دولت‌های ساحلی، که دارای اشتراکات و قرابت‌های فراوانی می‌باشند، کمک خواهد کرد.

تا زمانی که ایران و شوروی، تنها دولت‌های کرانه خزر بودند، با توجه به معادلات سیاسی و نظامی جهان دوقطبی و اولویت داشتن مرزهای امن و با پاره‌ای از مزیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی و نیز در سایه تساهل و تحمل، چندین دهه این حوزه دارای ثبات و همکاری بود و ضرورتی برای تعیین دقیق و صریح وضعیت حقوقی آن نزد طرفین احساس نمی‌شد. پس از افزوده شدن سه کشور جدید به دو کشور سنتی ساحلی و تدارک و شروع فعالیت‌های مستقل هر یک در زمینه‌های ماهیگیری و کشتیرانی و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در پرتو تغییرات اساسی در نگرش‌ها و اوضاع و احوال بین المللی، توجه

به وضعیت حقوقی دریای خزر به یک ضرورت و اولویت برای همه دولت‌های ذینفع تبدیل شده است. (نقشه ضمیمه)



از آنجا که تعیین رژیم حقوقی دریای خزر سبب می‌شود نحوه اداره، تأمین حقوق و کسب منافع برای هر یک از دولت‌های ساحلی اهمیت حیاتی پیدا کند، نظرات و مواضع متفاوتی از سوی کشورهای ساحلی این دریا مطرح شده است. بنابراین، عدم ثبات حقوقی، موجب پیچیدگی‌هایی در رابطه با تلاش و برنامه‌های کشورهای ساحلی خواهد شد. با توجه به این واقعیت، سؤال اساسی این است که ایستارهای دولت‌های ساحلی در رابطه با رژیم حقوقی دریای خزر چیست و هر یک از این دولت‌ها به دنبال چه اهدافی‌اند؟ راهبرد جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی خود چگونه ارزیابی می‌شود و نیز اجلاس کشورهای ساحلی دریای خزر چه تحولات جدیدی را در رسیدن به توافق جمعی، در پی داشته است؟

مواضع کشورهای ساحلی دریای خزر

دریای خزر بر اساس معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به عنوان آب داخلیⁱ محصور بین ایران و شوروی بود. دو دولت در زمینه کشتیرانی و ماهیگیری دارای حقوق برابر بودند. دریای خزر به منزله دریای مشترک میان ایران و شوروی دارای هیچ‌گونه خط مرزی رسمی نبود،



اما با اضافه شدن همسایگان جدید، مهم‌ترین مسئله میان دولت‌های ساحلی، تعیین رژیم حقوقی جدید بوده است که بر اساس دو دیدگاه قابل تجزیه و تحلیل است. الف. دیدگاه دریاچه دانستن خزر. در این دیدگاه منابع دریا تا محدوده معین به صورت انحصاری و بقیه آن به صورت مشاع توسط همه دولت‌های ساحلی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

ب. دیدگاه دریا دانستن خزر. در این دیدگاه، تقسیم دریا بر اساس حوزه ساحلی ملی و امتداد آن به مرکز، همانند تقسیمات بین‌المللی دریاهای مورد توجه می‌باشد. بر اساس این دو دیدگاه رژیم حقوقی دریای خزر را میتوان به شرح زیر فهرست نمود. تقسیم دریای خزر بر اساس خط میانی یا منصف (از امتداد مرز خشکی به سمت مرکز

دریا)؛

تقسیم مساوی دریا به بخش‌های ۲۰ درصدی؛

تقسیم دریا بر اساس تقسیمات بین‌المللی دریاهای (کنوانسیون ۱۹۸۲)؛

تقسیم دریا به بخش‌های شمالی - جنوبی؛

تقسیم بستر دریا و مشاع بودن سطح آب؛

تقسیم ۱۰ مایلی انحصاری و اشتراک دریای میانی.

به نظر می‌رسد انتخاب هر یک از متغیرهای فوق باید با اجماع نظر میان همه دولت‌های ساحلی به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر مورد توجه قرار گیرد تا امنیت پایدار و استراتژیک برای همه دولت‌های ساحلی محقق گردد.

روسیه

نظام مشاع

روسیه به عنوان یکی از همسایگان مؤثر دریای خزر از همان ابتدای فروپاشی شوروی سابق، خط مشی دوگانه‌ای را در پیش گرفته است. این دولت ضمن تأکید بر نظام مشاع داشت و به اقدامات کشورهای تازه استقلال یافته از جهت انعقاد قراردادهای انرژی با شرکت‌های خارجی معترض بود، اما خودش در این کنسرسیوم‌ها مشارکت داشت و نهادهای انرژی روسیه مثل لوک اویل و گس بروم در این قراردادها مشارکت داشتند. بنابراین تلویحاً به نوعی اقدامات آن‌ها را تأیید می‌کرد.^۴ روس‌ها در ابتدا قائل به وضعیت مشاع برای دریای خزر بوده و در همین راستا نسبت به اقدامات دولت آذربایجان در

بهره‌برداری و تقسیم دریای خزر اعتراض می‌کردند.^۳ آن‌ها معتقد بودند که این حوزه آبی را نمی‌توان از دیدگاه حقوقی، دریا خواند، بلکه به عنوان یک محدوده آبی محصور در خشکی که هیچ راه طبیعی به اقیانوس‌ها ندارد، فقط یک دریاچه است. این نکته، اهمیت اساسی در درک وضع حقوقی دریای خزر دارد. بر این اساس، حقوق بین‌الملل دریاهای، مقرر در مقاله‌نامه ۱۹۸۲ را نمی‌توان در مورد خزر به کار برد. زیرا تعمیم مقررات مقاله‌نامه ۱۹۸۲ در حدود حقوق دریاهای به خزر مستلزم آن است که پیش از گشودن دریای خزر بر روی دیگر کشورها، بین المللی بودن آبراه‌های ولگا-دن و ولگا-بالتیک به رسمیت شناخته شده باشد و این امر با قوانین فدراسیون روسیه مغایرت دارد.^۴ روس‌ها مبنای نظام حقوقی خزر را عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ می‌دانستند که اصول آن را معاهده ۲۵ مارس ۱۹۴۰ مورد تأکید مجدد قرار می‌دهد. معاهده ۱۹۴۰ نشان می‌دهد که خزر به عنوان دریای مشترک میان کشورهای ساحلی تلقی می‌شود. در این اسناد تصریح شده است که طرفین، دریای خزر را به عنوان دریای ایران و شوروی می‌شناسند. مواد این معاهدات نشان می‌دهد طرفین، دریای خزر را به عنوان محدوده مشترک بهره‌برداری‌های کشورهای ساحل می‌شناسند و با برخورداری از حقوق مساوی، استفاده از تمامی دریا را برای خود جایز می‌شمارند. بنابراین، اکتشاف، بهره‌برداری و حفظ و مدیریت منابع بستر دریا باید بر اساس توافق همه دولت‌های ساحلی باشد. دریای خزر، یک ذخیره بزرگ آبی و یک بوم سامانه واحد است که همه منابع آن به دولت‌های ساحلی تعلق دارد و تنها با توافق طرف‌ها قابل بهره‌برداری است بر این اساس، دولت‌های ساحل دریای خزر باید صبورانه و با تلاش مشترک، معاهده‌ای را در زمینه وضع حقوقی دریای خزر تنظیم و منعقد کنند.^۵ روسیه تا زمانی که به رژیم مشترک معتقد بود، شکایات متعددی از طرفداران تقسیم دریا از جمله علیه آذربایجان نزد سازمان ملل متحد برد؛ از جمله در ۵ اکتبر ۱۹۹۴، روسیه طی نامه‌ای به اقدامات یک جانبه کشورهای دیگر اعتراض نموده و موضع خود را تحت عنوان موضع فدراسیون روسیه در قبال رژیم حقوقی دریای خزر تسلیم سازمان ملل نمود.

روسیه در سند مذکور قید کرده است که رژیم حقوقی دریای خزر به صراحت در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تعیین گردیده و این رژیم تا زمانی که کلیه کشورهای ساحلی، معاهده جدیدی را به امضا نرسانند، معتبر و لازم‌الاجرا می‌باشد. دولت روسیه در این سند اعتراف می‌کند که دریای خزر می‌بایست مورد بهره‌برداری مشترک دول ساحلی قرار

گرفته و با دگرگونی تقسیمات کشوری در این دریا مخالف بود.^۶ ولی از سال ۱۹۹۸ تغییراتی در موضع روسیه پدید آمد.

خط میانی و شمال - جنوب

در رویکرد جدید، روسیه موضع جدید خود را به اطلاع سازمان ملل متحد رساند. سیاست جدید روسیه در قبال دریای خزر بر اساس فرمول خط میانی تعدیل یافته است. طبق این فرمول، روسیه خواهان تقسیم کف دریا و اشتراک در آب‌هاست. بر این اساس، روسیه خواستار آن شد که دریای خزر به بخش‌های ملی تقسیم گردد که بر پایه خط میانه یا متساوی الفاصله و متناسب با طول خط ساحلی هر یک از دولت‌های ساحلی این دریا باشد. روسیه، عرض آب‌های ملی (ساحلی) را قبلاً ۴۵ مایل و سپس ۲۰ مایل و بعداً ۱۵ مایل پیشنهاد نموده و معتقد است یک سازمان نظارتی می‌تواند مسائل مربوط به اختلافات را حل و فصل نماید. در این منطقه، کشتی‌ها اعم از نظامی و غیرنظامی و همچنین هواپیماهای نظامی و غیرنظامی همه کشورهای ساحل مجاز به عبور و مرور خواهند بود. همچنین صید ماهیان نیز برای کشورهای ساحلی در این منطقه مشاع مجاز خواهد بود.

در سیاست روسیه، میخائیل کاسیانوف، نخست وزیر اسبق روسیه در ۳۱ فروردین ۱۳۸۱ در آستاراخان در کنار خزر می‌گوید: تفاوت‌های ظریفی در مواضع کشورها وجود دارد. رفع تفاوت‌ها با مذاکرات دوجانبه به جای مذاکرات چندجانبه امکان‌پذیر است.^۷ بر همین اساس در کنفرانس سران دولت‌های حاشیه دریای خزر در آوریل ۲۰۰۲ ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور سابق روسیه، به آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان پیوست و از ایران خواست بخش بسیار کوچک‌تری از آنچه را که به عنوان بستر دریا ادعا می‌کند، بپذیرد.^۸

بر اساس فرمول خط میانی تعدیل یافته که روس‌ها دنباله‌رو این سیاست هستند، سهم کشورهای آذربایجان، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و ایران را از بستر دریا به ترتیب ۲۱٪، ۱۸/۵٪، ۲۹/۵٪، ۱۷٪ و ۱۴-۱۳٪ برآورد می‌کند.^۹

البته روس‌ها در فرایند جدید رژیم حقوقی دریای خزر در پی موافقت دوجانبه و سه جانبه به جای چند جانبه، پیشنهاد جدیدی را مطرح کردند. طبق طرح جدید روسیه، محاسبه خط میانی، دریا را به ۴۹ درصد شمالی و ۵۱٪ جنوبی تقسیم می‌کند.^{۱۰} سه کشور



ایران، ترکمنستان و آذربایجان می‌توانند بخش جنوبی را به سه قسمت برابر، که سهم هر کشور ۱۷ درصد خواهد شد، تقسیم نمایند که این طرح مورد مخالفت آذربایجان و ایران قرار گرفت.

بنابراین، با توجه به موارد فوق، هم اکنون روسیه به دلیل موقعیت مناسب ساحلی و نیز تکنولوژی بالا و بدون توجه به تقسیمات حقوقی، حداکثر بهره‌برداری را از این دریا به عمل می‌آورد. شرکت لوک اوایل روسیه در منطقه کوچین به سرمایه‌گذاری گسترده‌ای پرداخت. این کشور در آوریل ۲۰۱۰ مهم‌ترین پروژه نفتی دریای خزر را افتتاح کرد.

آذربایجان

خط میانی و منصف

این کشور معتقد است دریای خزر نظیر سایر دریاچه‌های جهان از جمله چاد و ژنو، ماهیت دریاچه‌ای داشته و به مانند رژیم حقوقی دریاچه‌ها می‌باید بر اساس خط میانی تقسیم گردد.^{۱۱} در صورت اتخاذ این شیوه، هر کشور دارای حوزه آبی مستقلی می‌گردد که در آن اعمال حاکمیت نموده و از تمام منابع معدنی و آبی آن از جمله نفت و گاز بهره‌برداری می‌کند. این پیشنهاد شدیداً مورد اعتراض ایران قرار گرفت، زیرا در صورت تحدید حدود بر این مبنا، سهم ایران تنها بین ۱۲ تا ۱۳ درصد از تقسیم‌بندی دریای خزر خواهد بود.

این دولت با نظام حقوقی مشاع دریای خزر مخالف است و تاکنون صریح‌ترین موضع را در مخالفت با فکر بهره‌برداری مشترک از منابع دریا ابراز کرده است. این کشور با اعتقاد به رژیم حقوقی دریاچه بر اساس خط میانه مدعی است که بر مناطق مجاور سواحل این کشور در دریای خزر، که حاوی منابع بسیار غنی است، مالکیت کامل دارد.^{۱۲} این دولت از سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ با انعقاد قراردادهای عظیم نفتی و سپس گازی و شکل‌گیری کنسرسیوم‌های بزرگ نفتی و گازی متشکل از مهم‌ترین شرکت‌های چند ملیتی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و غیره فعالیت‌های اکتشافی و بهره‌برداری عمدتاً در آب‌های نزدیک به کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان را شروع کرد. در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴، شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار) قراردادی را به منظور اکتشاف و بهره‌برداری از معادن نفتی دریای خزر با کنسرسیوم متشکل از ۱۱ شرکت نفتی مختلف به امضا رساند.



شرکت ملی نفت ایران که در ابتدا ۱۰ درصد از سهام کنسرسیوم را داشت، در نتیجه فشارهای آمریکا مجبور به خروج از کنسرسیوم گردید. در عوض، شرکت نفت روسیه، لوک اوپل، ده درصد از سهام شرکت مزبور را تصاحب نمود.^{۱۳} پس از موافقت‌نامه روسیه و قزاقستان در ژوئیه ۱۹۹۸ دال بر تحدید حدود مرزی مابین دو کشور در آب‌های شمالی دریای خزر و پس از بیانیه مشترک ایران و ترکمنستان دال بر تأیید رژیم مشاع برای دریای خزر، آذربایجان با صدور بیانیه‌ای مخالف خود را با عدم تقسیم دریای خزر و نیز با سهم ۲۰ درصدی ایران در صورت تقسیم اعلام داشت.^{۱۴} همین طور در نوامبر ۲۰۰۱ مجدداً قزاقستان و آذربایجان، موافقت‌نامه‌ای را با یکدیگر امضا نمودند که بهترین راه حل رژیم حقوقی دریای خزر را بر اساس خط منصف بیان کردند.

قزاقستان

تقسیم دریا بر اساس تقسیمات بین المللی دریاها (کنوانسیون ۱۹۸۲)

این دولت از نظریه تقسیم دریا دفاع می‌کند. لکن مبنا و اساس تفکر این دولت، مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بود، که قائل به تسری کنوانسیون مذکور به دریای خزر از طریق کانال‌هایی که در رودخانه ولگا ایجاد شده با دریای آزاد، یعنی دریای سیاه و بالتیک بوده و اعتقاد داشت این دریاچه، خصوصیت دریای آزاد را احراز کرده است و بنابراین، نظام حقوقی دریای آزاد باید در دریای خزر تسری پیدا کند.^{۱۵} به عبارت دیگر، بعد از خط مبدأ، ۱۲ مایل به عنوان دریای سرزمینی، ۲۴ مایل به عنوان منطقه نظارت و در کل ۲۰۰ مایل و یا هر جایی که بین کشورهای مجاور تلاقی به وجود بیاید، به عنوان منطقه انحصاری اقتصادی، آزادی کشتیرانی و پرواز در نظر گرفته شود.^{۱۶} دولت قزاقستان بر این باور است که از قدیم الایام، خزر به عنوان یک دریا مورد اشاره قرار گرفته است. وضع دریای خزر با معاهدت ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تعیین می‌گردید که بر طبق آن‌ها خزر با خط میان بندر آستارا-خلیج حسینقلی تقسیم می‌شد.

این پیمان‌ها با شرایط امروز دریای خزر مرتبط نیست و نمی‌تواند به عنوان اسناد قانع کننده و بر مبنای منافع متقابل به حساب آید. زیرا: ۱. جمهوری فدراتیو روسیه شوروی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که طرف معاهدات حقوق بودند، دیگر به عنوان شخص حقوقی بین الملل وجود ندارند. بنابراین، وضع دریای خزر باید در پیمان‌های جدیدی میان کشورهای این حوزه مشخص گردد. ۲. این پیمان‌ها نباید شامل هیچ گونه

ارجاعی به مرزهای میان جمهوری‌های شوروی سابق در دریای خزر باشد. زیرا بر اساس قوانین شوروی، مسائل مرزی منحصراً در صلاحیت دولت فدرال بود. بنابراین، جمهوری‌ها از جمله روسیه، نمی‌توانستند در بخشی از دریای خزر که به اتحاد شوروی سابق تعلق داشت، اعمال نظر کنند. این امر در مورد تحدید حدود مرزهای دریای خزر نیز صدق می‌کرد. ۳. معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تنها به مسائل مربوط به تجارت، دریانوردی و صیادی، وضع قانونی بخشیده‌اند، وضع دریای خزر از جمله بهره‌برداری از فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی را به طور کامل مشخص نمی‌کنند. زیرا مفهوم حقوق فلات قاره برای اولین بار در مقاله‌نامه ژنو در خصوص فلات قاره در ۱۹۵۸ و مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی در مقاله‌نامه ژنو در خصوص فلات قاره ۱۹۵۸ و مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی در مقاله‌نامه ۱۹۸۲ حقوق دریاها مطرح شدند.^{۱۷}

این جمهوری معتقد است که شکل گرفتن کشورهای مستقل جدید در منطقه، مسئله همکاری در حوزه دریای خزر را به صورت یک موضوع چندجانبه در آورده است. بنابراین باید در پرتو منافع همه دولت‌ها وضع حقوقی جدیدی برای دریای خزر در نظر گرفته شود. راه‌حل مناسب باید بر اساس اصول حقوق بین‌الملل، به ویژه اصل حاکمیت و استقلال یکسان کشورها، مندرج در منشور سازمان ملل، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها طبق منشور ملل متحد (۱۹۷۰)، سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (۱۹۷۵) و دیگر اسناد بین‌المللی و همچنین مفاد مقاله‌نامه ۱۹۸۲ حقوق دریاها باشد. این استدلال که دریای خزر مشمول مقاله‌نامه ۱۹۸۲ حقوق دریاها نمی‌شود، قابل قبول نیست. زیرا با توجه به اینکه در آن، واژه دریاها و اقیانوسها تعریف نشده است، برای تمام دریاها و اقیانوسها اعتبار دارد. بنابراین باید دریای خزر به دریاهای سرزمینی، مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره هر یک از دولت‌های ساحل تقسیم گردد. در زمان انعقاد مقاله‌نامه ۱۹۸۲ حقوق دریاها، وضع حقوقی دریای خزر، مسئله غیرقابل حل نبود، زیرا هیچ مسئله مشخص و برجسته‌ای میان ایران و شوروی وجود نداشت. امروزه اساساً وضع تغییر کرده و چنانچه کشورهای هم‌مرز دریای خزر نتوانند حقوق اعطا شده در مقاله‌نامه ۱۹۸۲ را کاملاً عملی سازند، ضروری است حصول توافق جدید میان کشورهای ساحلی در مورد وضع حقوقی این دریا در آن اعمال گردد. بسته بودن دریای خزر مانع تفکیک و تخصیص مناطق دریایی نمی‌شود و کشورهای ساحلی تا حدی که وضع دریا اجازه دهد می‌توانند با در اختیار گرفتن مناطق و

تحدید حدود آن‌ها مبادرت ورزند.

جمهوری قزاقستان همانند جمهوری آذربایجان با نظام حقوقی مشاع دریای خزر مخالف است و از تقسیم دریای خزر حمایت می‌کند. این دولت پیشنهاد دهنده طرحی است که به موجب آن دریای خزر به نحو زیر تحدید می‌شود.

دریای سرزمین، منطقه ماهیگیری (حداکثر به عرض ۳۰ کیلومتر) منطقه دریای آزاد تقسیم بستر دریا و برخورداری دولت‌های ساحلی از حقوق انحصاری منابع بستر و زیر بستر، حق عبور برای کشورهای محاط در خشکی، استقرار لوله‌های نفت در بستر دریای خزر و تعهد به همکاری برای حفظ محیط زیست.^{۱۸}

خط میانی (موافقتنامه دو و سه جانبه)

این جمهوری در سال ۱۹۹۳ قراردادی را با کنسرسیوم‌های شرکت‌های نفتی غربی متشکل از موبیل، توتال، شل، بی پی و آچیپ امضاء نمود. همچنین رؤسای جمهور روسیه و قزاقستان در مورد همکاری به منظور بهره‌برداری از دریای خزر، اعلامیه مشترکی در ۲۷ آوریل ۱۹۹۶ صادر نمودند. در این اعلامیه، دو طرف بر تشکیل شرکت مشترک در بهره‌برداری از منابع دریای خزر تأکید نمودند. در سال ۱۹۹۷، قزاقستان به دو توافق با آذربایجان به صورت موافقت‌نامه و با ترکمنستان در فوریه ۱۹۹۸ به صورت بیانیه در مورد استفاده از منابع دریای خزر به صورت موقت و با مراجعه به خط میانی یا منصف تا نهایه شدن رژیم حقوقی این دریاچه رسید.^{۱۹} همچنین علی اف و نظر بایف، قراردادی را در جریان اجلاس رسمی سران کشورهای مشترک المنافع در نوامبر ۲۰۰۱ در مسکو امضا نمودند که در آن آمده است بستر دریا و مرزهای ناشی از آن بر اساس خط میانی مابین دو کشور تقسیم خواهد شد.^{۲۰} گرچه موافقت‌نامه با توجه به توافقات قبلی روسیه با دو همسایه قبلی خود، یعنی آذربایجان و قزاقستان زائد به نظر می‌رسد، اما شاید نشانه‌ای از مخالفت جدی قزاقستان با پیشنهاد ایران مبنی بر تقسیم خزر به صورت مساوی، خواهان تقسیم بستر دریا بر اساس خط میانه و به تناسب طول سواحل دو دولت ساحلی است. به طور کلی، قزاقستان طرفدار یک راه‌حل مرحله به مرحله برای مسئله دریای خزر است و می‌گوید کشورهای ساحل برای استفاده از این دریا نباید منتظر رسیدن به یک راه‌حل نهایه باشند.^{۲۱} هم‌اکنون قزاقستان همراه با روسیه و آذربایجان منابع بستر، زیر بستر و معلق در آب دریا را به صورت خط میانی و سطح دریا را به صورت مشاع مورد بهره‌برداری



قرار می‌دهند. در مورد حدود مرز آبی میان آذربایجان و ترکمنستان اختلافاتی وجود دارد که در قسمت بعدی به بررسی آن خواهیم پرداخت.

ترکمنستان

از نظام مشاع تا تقسیمات خط میانی

این جمهوری ابتدا خواستار برقراری رژیم حقوقی مشاع محدود مانند روسیه بود؛ بدین معنی که تا ۴۵ مایل به عنوان منطقه انحصاری ملل هر یک از کشورهای ساحل مرزها مشخص شود. و ماورای آن به عنوان منطقه مشترک و یا مشاع تحت نظارت یک نهاد منطقه‌ای مورد استفاده همگانی قرار گیرد. در سال ۱۹۹۳، ترکمنستان قانون مرزها را به تصویب رسانده و علاوه بر اعلام ۱۲ مایل دریایی برای آب‌های سرزمین، ۴۵ مایل محدوده منطقه انحصاری اقتصادی تعیین نموده است.^{۳۳} این کشور در سال ۱۹۹۷ قراردادی برای تقسیم دریا بر اساس خط میانه با آذربایجان امضاء نمود، اما در عمل دچار اختلاف شدند. برای مثال این دو در مورد حوزه هیدروکربونی فراوانی که در مرکز دریای خزر وجود دارد، ادعا دارند. همچنین میادین نفتی «سردار» که آذربایجان آن را کیاپازⁱ می‌نامد، میدان «خزر» که آذربایجان آن را آذری می‌نامد، و حوزه «عثمانی» که آذربایجان آن را Chirage می‌نامد، اختلاف شدید دارند. این اختلافات در حالی مطرح می‌شود که هنوز رژیم حقوقی دریای خزر که مورد تأیید و اجماع نظر کلیه کشورهای شریک قرار گرفته باشد، وجود ندارد.

جمهوری اسلامی و راهبرد بهینه

از ابتدای فروپاشی شوروی، جمهوری اسلامی ایران، دولت‌های ساحلی نواستقلال را به رسمیت شناخت و حقوق دولت‌های ساحلی را بر اساس منافع متقابل مطرح نمود. دولت ایران مانند موضع اولیه روسیه اعتقاد دارد که خزر یک دریاچه است و لذا از اصل بهره‌برداری مشترکⁱⁱ حمایت می‌کند که به موجب آن، دولت‌های ساحلی به طور مشترک مشترک از منابع نفت و گاز دریای خزر بهره‌برداری کنند. اما چنانچه قرار باشد بستر دریا تقسیم شود، ایران خواهان ۲۰ درصد از بستر دریا، یعنی تقسیم مساوی آن میان پنج دولت

i. Kyapaz
ii. condominium

ساحلی است و به شرکت‌های نفتی خارجی اجازه نمی‌دهد در منطقه‌ای که جزء سرزمین ایران می‌داند، به اکتشاف و حفاری دست بزنند.

نظام مشاع یا حاکمیت مشترک

از نظر ایران، تکمیل نظام حقوقی دریای خزر و وضع مقررات جهت روشن شدن نحوه بهره‌برداری از منابع آن، امری ضروری است، زیرا هر گونه تأخیر در تعیین این نظام، آثار زیانباری برای سامانه دریای خزر دارد. ایران، آماده مذاکرات در مورد این موضوع است و تا زمانی که مقررات لازم وضع نشده و یا مادامی که نظام حقوقی جدیدی جایگزین نظام حقوقی موجود نگردیده است، باید از هر گونه اقدام یک جانبه و تحریک‌کننده‌ای اجتناب گردد. به طور کلی از نظر ایران هر توافقی در مورد نظام حقوقی دریای خزر باید با اجماع دولت‌های ساحلی به دست آید. به هر حال، رسیدن به چنین اجماعی نمی‌تواند در ظرف چند جلسه حاصل شود، بلکه متضمن یک روند طولانی است. نکته قابل توجه آن است که بر کل دریا اعم از آب، بستر و زیر بستر آن یا باید فقط یک نظام حاکم باشد، یعنی یا به صورت مشترک مورد استفاده قرار گیرد، که ترجیح ایران نیز همین است، و یا تقسیم کامل صورت گیرد. بنابراین، نظام دوگانه‌ای برای آن به صورت مشترک و دیگری برای بستر و زیر بستر دریا به شکل تقسیم، پذیرفتنی نیست.^{۳۳} استناد رژیم کاندومینیوم برای رژیم حقوقی دریای خزر که از سوی جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان دنبال شده بود و حتی این دو کشور در بیانیه مشترکی که در مورخه ۱۷ تیرماه ۱۳۷۷ برابر با ۸ ژوئیه ۱۹۹۸ صادر نمودند، به صراحت به اعمال رژیم کاندومینیوم برای دریای خزر اشاره نمودند.^{۳۴} دولت روسیه نیز تا سال ۱۹۹۸ در مواضع رسمی خود به رژیمی مبنی بر استفاده مشترک از دریای خزر و منع اقداماتی که بدون توافق کلیه کشورهای ساحلی منجر به تقسیم دریای خزر شود، یعنی موضعی که بر مواضع ایران و ترکمنستان بسیار نزدیک بود، تأکید می‌کرد.

دلایل ایران برای اثبات ادعای رژیم حاکمیت مشترک برای دریای خزر، عمدتاً مبتنی بر آن رژیم حقوقی است که قبل از فروپاشی شوروی سابق بر این دریا حاکم بوده و نیز بر مبنای معاهدات دوجانبه‌ای است که بین طرفین صورت گرفته بود.^{۳۵} جمهوری اسلامی ایران، طرفدار رژیم حاکمیت مشاع یا کاندومینیوم بود و هرگونه تقسیم‌بندی نیز می‌بایست با عنایت به توافقات قبلی صورت گیرد. در همین زمینه، ایران در ابتدا محدوده ۱۰ مایل را



به عنوان منطقه اختصاصی در نظر گرفت که در اسفندماه ۱۳۷۴ به ۲۰ مایل افزایش یافت. همچنین در نخستین همکاری دریای خزر در ۱۳ آبان ۱۳۷۵ یورگنی پریماکف، وزیر خارجه وقت روسیه پیشنهاد نمود که محدوده ۴۵ مایل در کشورهای ساحلی منطقه اختصاصی آن خوانده شود و منابع محدوده خارج از منطقه پیشنهادی به صورت مشترک از سوی تمامی کشورهای ساحلی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

نظام مساوی ۲۰ درصدی

به دلیل مخالفت‌هایی که با رژیم حقوقی حاکمیت مشاع از سوی دول ساحلی آذربایجان و قزاقستان صورت گرفت و نیز به دنبال اقدام روسیه در انعقاد قراردادهای دوجانبه و سه جانبه با دو کشور یاد شده طی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ که حاکی از پذیرش اصل تقسیم توسط دولت روسیه بوده، ایران به ناچار موضع خود را تغییر داده است و خواهان تقسیم دریا به طور مساوی بین پنج کشور ساحلی با میزان مساوی برابر با ۲۰ درصد برای یکایک اعضا گردید.^{۳۶} چنین موضعی به همراه فعالیت دستگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در بخش تحت حاکمیت ایران یعنی ۲۰ درصد از آب‌های جنوب خزر می‌تواند بخشی از منافع کشور در خزر را حفظ نماید.

از نظر برخی از کارشناسان، سهم ایران ۲۰ درصد مطرح شد و اینکه کشورهای دیگر هر کدام چه سهمی می‌برند، مربوط به مباحث فنی و کارشناسی است که باید صورت بگیرد و سهم هر کدام از آن‌ها تأمین گردد.^{۳۷} سهم ۲۰ درصدی ایران با مخالفت روسیه، آذربایجان و قزاقستان مواجه گردید. این سه کشور با طرح این استدلال که باید بین سهم هر کشور با اندازه ساحل آن تناسب ایجاد شود، طرح ایران را غیر عملی دانستند، اما ترکمنستان تلویحاً در مورد دیدگاه ایران ابراز رضایت کرد.

دولت روسیه برای خروج از بن‌بست، پیشنهاد جدیدی مطرح کرد. طبق طرح جدید روسیه، محاسبه «خط میانی» دریا را به ۴۹ درصد شمالی و ۵۱ درصد جنوبی مطرح کرده بود.^{۳۸} سه کشور ایران، ترکمنستان و آذربایجان می‌توانند بخش جنوبی را به سه قسمت برابر که سهم هر کشور ۱۷ درصد خواهد شد، تقسیم نمایند. این طرح روسیه با مخالفت آذربایجان و ایران مواجه گردید.

فرآیند موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران

به طور خلاصه در اینجا می‌توان فرآیند و محورهای مهم دیدگاه جمهوری اسلامی ایران را به شرح ذیل بیان نمود:

۱. قراردادهای معتبر ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ فی مابین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق، چگونگی بهره‌برداری ایران و شوروی از دریای خزر را مشخص می‌نماید.
۲. با توجه به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پیدایش دولت‌های ساحلی جدید و ملزم بودن این دولت‌ها به معاهدات شوروی که طبق اعلامیه ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲ آلمانی صورت گرفته است و قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ برای کلیه دول ساحلی خزر معتبر خواهد بود.
۳. تا تعیین رژیم حقوقی جامعی برای دریای خزر، قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به قوت خود باقی است. با این نظر دولت ما، روسیه و ترکمنستان نیز موافق هستند.^{۲۹}
۴. هر قاعده جدیدی در خصوص دریای خزر باید با توافق هر پنج دولت ساحلی آن باشد. با این نظر نیز هر پنج کشور ساحلی در اجلاس وزیران ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ در عشق‌آباد موافقت نمودند. این اصل مورد قبول روسیه و ترکمنستان است.
۵. ایران با هر گونه اقدامات یک جانبه و چند جانبه قبل از دستیابی به رژیم حقوقی مورد توافق دول ساحلی مخالف است و اعتقاد دارد دولت‌هایی که به صورت یک جانبه یا چند جانبه از دریای خزر بهره‌برداری می‌کنند، در برابر خساراتی که ایجاد می‌شود، مسئول هستند و فعالیت آن‌ها غیرقانونی خواهد بود. از این رو اعتراض خود را در خصوص تعیین خط ساحلی روسیه و قزاقستان اعلام نمود.^{۳۰}
۶. رؤسای جمهوری ایران و ترکمنستان در ۸ ژوئیه ۱۹۹۸ در یک بیانیه مشترک پیشنهاد نمودند برای رژیم حقوقی مورد توافق همه دول ساحلی می‌توان یک محدوده اختصاصی برای تولید از کشورهای ساحلی مشخص کرد و در بخش باقیمانده حاکمیت مشترک قائل شد. در هر صورت، ایران به سهم ۲۰ درصدی برای هر یک از کشورهای ساحلی تأکید می‌نماید.
۷. ایران با هر گونه آلودگی و تخریب محیط زیست دریای خزر مخالف بوده و پای‌بندی همه کشورهای ساحلی خزر را به کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر (کنوانسیون تهران) خواستار است.
۸. ایران همان طور که در اعلامیه سران کشورهای ساحلی دریای خزر تصریح شده،



هر گونه بهره‌برداری از منابع طبیعی از جمله بهره‌برداری از منابع زنده دریای خزر و منابع معدنی بستر و زیر بستر آن به ویژه میادین نفت و گاز، کشتیرانی و سایر مسائل مربوط به فعالیت در دریای خزر را صرفاً در چارچوب رژیم حقوقی جامع دریای خزر، که با اتفاق آرای پنج کشور ساحلی به تصویب می‌رسد، معتبر می‌داند.

۹. بر اساس کلیه اسناد امضاء شده بین روسیه با ایران، تاکنون در دریای خزر هیچ گونه مرزی ترسیم نشده و هیچ کشوری از جمله روسیه سندی ندارند که بر اساس آن خزر تقسیم شده باشد.^{۳۱}

۱۰. جمهوری اسلامی ایران خواهان آن است که برای تقسیم بستر و زیر بستر از الگوها و موارد مهم تحدید حدود در دنیا بهره‌برداری شود. نمونه مشابه دریای خزر که مورد توجه حقوق دانان گرفته و موجب صدور رأی دیوان بین‌المللی دادگستری شده است، دریای شمال است. از این رو ایران برای تحدید حدود در دریای خزر از این نمونه، که نقاط اشتراک فراوانی با دریای خزر دارد، بهره برده است. در این زمینه، دیوان بین‌المللی دادگستری، آرای صادر کرده که طبق آن بر مواردی مانند غیر الزامی بودن استفاده از خط میانی و عدم شناسایی آن به عنوان یک قاعده حقوقی، ضرورت توجه به شرایط ویژه و لزوم نیل به نتیجه منصفانه تأکید شده است.

۱۱. مسائل دریای خزر اعم از شمال و جنوب به هم وابسته است و هر گونه رویداد در شمال بر وضعیت جنوب تأثیرگذار خواهد بود. برعکس، مناسب نیست با دست یافتن به تقسیمات جغرافیایی، اتفاق آراء را خدشه‌دار ساخت. به همین دلیل، جمهوری اسلامی ایران، توافق‌های شمال را تمام شده و معتبر تلقی نمی‌کند.

۱۲. عدم حضور نیروهای خارجی در دریای خزر که در اکثر قراردادهای منعقد شده بین ایران و شوروی به صراحت ذکر شده است. در این دریا به استثناء دو کشور ایران و روسیه، هیچ کشور دیگری حق حضور نظامی، کشتیرانی و دیگر بهره‌برداری‌ها را ندارد. در اجلاس سران کشورهای ساحلی در ۲۴ مهرماه ۱۳۸۶ تهران این امر مورد امضای رؤسای جمهور قرار گرفت.^{۳۲}

بنابراین از ابتدای فروپاشی شوروی تاکنون، نظرات ایران در مورد مرزهای آبی در دریای خزر به صورت زیر خلاصه می‌شود:

- از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ مقدم شمردن اصل شراکت و اعتقاد به رژیم مشاع.

- از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ مقدم شمردن اصل تقسیم، اما بر اساس ۲۰ درصد برای همه.



- از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ بازگشت رژیم مشارکت به دلیل عدم تمکین دیگر کشورها به اصل تساوی تقسیم.

- در سال ۲۰۱۰ تمایلاتی بر تقسیمات «خط منصف» بر اساس امتداد خط مرزی، به گونه‌ای که پیشرفتگی به سمت مرکز دریا باشد، مطرح شد.

نکته اساسی در پایان این است که هر چند با توجه به تعریف ارائه شده از دریای بسته و نیمه بسته در ماده ۱۲۲ فصل ۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تابع معاهدات و قراردادهای فی مابین کشورهای ساحلی آن باشد، واقعیتی که در اعلامیه پنج کشور ساحلی خزر در مهرماه ۱۳۸۶ تهران (اکتبر ۲۰۰۷) نیز مورد تأکید سران این کشورها قرار گرفته است، ولی طی سال‌های گذشته، برخی از کشورهای ساحلی این دریاچه با فقدان یک رژیم حقوقی جامع به طور یک جانبه و یا چند جانبه و به کمک شرکت‌های بزرگ خارجی در سطح وسیعی از منابع مشترک گاز و نفت خزر و بدون جلب توافق ایران بهره‌برداری می‌نمایند. لذا در چنین وضعیتی، منافع ملی ایران ایجاب می‌کند تا با پرهیز از رفتار انفعالی و در اجرای یک دیپلماسی فعال ضمن برخورداری از حقوق بین‌المللی خود، در بهره‌برداری از منابع خزر از وضعیت سیاسی و اقتصادی ممکن برای متقاعد نمودن چهار کشور دیگر در تدوین و تصویب یک رژیم حقوقی جامع استفاده نماید. بدون تردید، چگونگی استیفای حقوق ملت ایران در سیاست منطقه‌ای، یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکردها و میزان موفقیت دولت‌ها در قضاوت‌های تاریخی خواهد بود.

نشست‌های دولت‌های ساحلی

نشست حاشیه اجلاس اکو. اولین تلاش برای برگزاری اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر به ابتکار جمهوری اسلامی ایران در حاشیه نشست سران کشورهای عضو (اکو) در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ برابر با ۲۸ بهمن ماه ۱۳۷۱ در تهران صورت گرفت. اما به دلیل اینکه رؤسای جمهوری آذربایجان، قزاقستان و روسیه در این نشست حضور نداشتند نمی‌توان این نشست را به معنای واقعی کلمه، نشست سران محسوب کرد. نشست عشق آباد. اولین اجلاس رسمی سران کشورهای ساحلی در اردیبهشت ۱۳۸۱ با حضور کلیه رؤسای جمهوری کشورهای ساحلی در کاخ روحیت عشق آباد پایتخت ترکمنستان برای نخستین بار پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، که تولد همسایگان ناخوانده را به دنبال داشت، برگزار گردید تا سرنوشت خزر را رقم بزنند. این

اجلاس نتوانست خواسته‌های کشورهای ساحلی را برآورده سازد. این نشست، یک جلسه اختتامیه داشت که سخنرانی و مذاکرات رؤسای جمهور را در بر داشت. این جلسه، بیشتر به عیان شدن اختلافات ترکمنستان و آذربایجان گذشت. روسیه در این اجلاس، طرح جدیدی را مطرح کرد. ایجاد دو حوزه ساحلی که به عنوان حوزه‌های ملی شناخته شوند و همچنین حوزه آب‌های مشترک در وسط دریا، بخشی از این طرح بود. حوزه ساحلی مربوط به کنترل مرزی و گمرکی است و حوزه دیگر که بدان متصل است، حوزه انحصاری ماهیگیری است. جلسه دوم اجلاس به دلیل عدم توافق در خصوص بیانیه در نشست کارشناسی به نتیجه نرسید و سندی در پایان این اجلاس امضاء نشد. اگر چه اجلاس سران عشق آباد بدون صدور بیانیه خاتمه یافت، اما به دلیل اینکه برای اولین بار، رؤسای جمهوری گرد هم آمدند. ارزشمند بود.

نشست مسکو. در این نشست که در ۱۸ فروردین ماه سال ۱۳۸۳ در مسکو برگزار گردید، کشورها توافق نمودند تا دومین اجلاس سران در نیمه دوم سال ۲۰۰۴ میلادی در تهران برگزار گردد که برگزاری این نشست به علی چون بیماری و فوت حیدرعلی اف رئیس جمهوری آذربایجان و سپس فوت نیازوف به تعویق افتاد. نشست تهران. سه نشست گروه کاری ویژه در مهر، آذر و اسفندماه ۱۳۸۵ به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران در تهران برگزار شد و طرف‌ها نسبت به عمده موارد اختلافی دومین نشست سران به توافق رسیدند و تصمیم‌گیری راجع به اختلافات باقیمانده به وزرای امور خارجه واگذار گردید. در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی که به منظور بررسی این اختلافات در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۸۶ در تهران برگزار گردید، کلیه موارد اختلافی برطرف و کشورها آمادگی خود را برای شرکت در اجلاس سران اعلام کردند. متعاقب آن، نمایندگان کشورهای ساحلی، یک بار دیگر در تاریخ ۵ مهرماه ۱۳۸۶ در تهران گرد هم آمدند و پس از بحث و بررسی نسبت به دستور کار اجلاس سران با هم به توافق رسیدند و بدین ترتیب، کلیه مقدمات کار برای برگزاری اجلاس سران فراهم گردید. اجلاس سران در تهران، صبح روز سه‌شنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۸۶ (۱۶ اکتبر ۲۰۰۷) با سخنرانی رؤسای جمهور پنج کشور در مجموعه کاخ سعدآباد تهران آغاز به کار کرد.^{۳۳} از جمله پیشنهاد ایجاد نوعی سازمان منطقه‌ای برای همکاری جمعی برای حفظ امنیت دریای خزر و جلوگیری از رقابت‌های نظامی کشورهای ساحلی، مقابله با حضور بیگانگان و مبارزه با جرایم سازمان یافته بوده است. همکاری در بهره‌برداری از ذخایر انرژی و



انتقال آن به خارج از کوتاه‌ترین مسیر ممکن، تدوین پروتکل‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست موسوم به کنوانسیون تهران و اجرایی شدن آن، برگزاری مرتب جلساتی در سطح وزیران خارجه و سران این کشورها از دیگر پیشنهادهایی بود که رئیس جمهوری ایران در اجلاس افتتاحیه مطرح کرد.

پیش از اجلاس سعدآباد، دو قطعنامه صادر شده شورای امنیت علیه ایران دو اهرم بودند تا دیگر کشورهای دریای خزر، دستگاه دیپلماسی ایران را هر چه بیشتر تحت فشار قرار دهند و امتیازات افزون‌تری را طلب کنند. از نگاه دیگر می‌توان گفت که اجلاس تاریخی تهران از دو بعد، بیشتر اهمیت دارد:

یکی شرکت همه رؤسای جمهوری کشورهای ساحلی در این اجلاس و دیگری نتایج مثبت اجلاس و دیدارهای دوجانبه.

این اعلامیه در بر گیرنده موضوعاتی متناسب با منافع همه کشورهای ساحلی دریای خزر است. از جمله در اعلامیه پایانی اجلاس در تهران، همگرایی کامل درباره مهم‌ترین مسائل دریای خزر، منطقه‌ای و بین‌المللی دیده می‌شود.

در بند ۱۹ این اعلامیه آمده است: طرف‌های معاهده، منع اشاعه و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را به عنوان یکی از مهم‌ترین بنیان‌های امنیت و ثبات بین‌المللی دانسته و خواستار تعمیم آتی این معاهده هستند. طرف‌ها همچنین حق مسلم کلیه کشورهای عضو معاهده منع اشاعه و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای در مقاصد صلح‌آمیز بدون تبعیض و در چارچوب مفاد این معاهده و همچنین سازوکارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مورد تأکید قرار می‌دهند.^{۳۳} در واقع، این بند، تأییدی بر حق ایران و دیگر کشورها برای دستیابی به انرژی هسته‌ای، استفاده صلح‌آمیز از آن و مخالفت با بهره‌گیری انحصاری توسط قدرت‌های بزرگ است.

در بند ۱۵ اعلامیه نیز بر این موضوع تأکید شده که طرف‌ها تأکید می‌کنند که در هیچ صورتی به کشورهای دیگر اجازه نخواهند داد تا از قلمرو کشورشان برای تهاجم و سایر عملیات نظامی علیه هر یک از طرف‌ها استفاده شود.

در بخش دیگری از این بیانیه، امضاءکنندگان خواستار بهره‌برداری از ظرفیت‌های حمل و نقل منطقه‌ای از جمله از طریق ایجاد توسعه راه‌های ترانزیت شده‌اند.^{۳۵} امضاءکنندگان این بیانیه به ایجاد نظم جهانی جدید چند قطبی، کامل‌تر و عادلانه‌تر در

زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی و نیز تحکیم نقش محوری سازمان ملل در حفاظت از صلح و امنیت جهانی تأکید کردند. رهبران کشورهای حاشیه خزر همچنین تروریسم بین‌المللی، جدایی‌طلبی خصمانه و سایر مظاهر زورگویی افراط‌گرایان و همچنین تجارت غیرقانونی مواد مخدر و اسلحه را محکوم نمودند. در نهایت می‌توان گفت برگزاری اجلاس سران در تهران و شرکت همه سران کشورها در این اجلاس، یک موفقیت بزرگ در دیپلماسی فعال ایران ارزیابی می‌شود.

نشست باکو. این نشست در سال ۲۰۰۸ در شهر باکو برگزار شد. دولت‌های ساحلی، یک تفاهم‌نامه امنیتی بر مبنای همکاری دوجانبه و چندجانبه در ۱۵ بند امضا کردند. لازم به ذکر است، نشست قزاقستان در سپتامبر ۲۰۰۱ با حضور سران چهار کشور و بدون حضور جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. این اقدام، که با محوریت روسیه صورت گرفت، حاکی از آن است که روسیه تلاش می‌کند هژمونی خود را تحکیم نماید و در صورت امکان با توجه به موضوع هسته‌ای ایران از این کشور امتیازگیری نماید.^{۳۶}

در نشست مسکو در سال ۲۰۱۱ و نشست‌های آینده انتظار می‌رود که دولت‌های ساحلی به اجماع نظر نزدیک شوند و پس از تعیین رژیم حقوقی دریای خزر به طور عادلانه و مسالمت‌آمیز، به سمت اهداف مهم‌تر و استراتژیک نظیر ایجاد سازمان‌های اقتصادی و نظام امنیتی گام بردارند. این هدف با توجه به سابقه تاریخی و موارد گواه در نظام بین‌الملل، برای نمونه شکل‌گیری اتحادیه اروپا، دور از ذهن نیست و در اثر دیپلماسی فعال، دست‌یافتنی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

به موجب معاهدات ۱۳۲۱ و ۱۳۴۰، ایران و شوروی دارای حقوق مساوی و مشترک در این پهنه آبی بودند و اجرای صحیح آن می‌توانست الگوی سازنده‌ای از همکاری نزدیک و نتایج پربار آن باشد. با فروپاشی شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته، رژیم حقوقی جدید را وسیله‌ای برای جلوگیری از اعاده نفوذ و سلطه روسیه، بهره‌برداری از منابع طبیعی دریای خزر، جلب سرمایه‌های خارجی و در نهایت، استحکام استقلال به دست آمده خود یافتند، خواستار تقسیم دریای خزر بر اساس ضوابط رایج و حاکم در مورد دریاچه‌های مشترک و بر مبنای اصول پیش‌بینی شده در کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ شدند.

با توجه به آخرین وضعیت دریای خزر و تعیین هفت مرز بین کشورهای ساحلی دریای



خزر (۱- مرز روسیه و قزاقستان ۲- مرز روسیه و آذربایجان ۳- قزاقستان و آذربایجان ۴- آذربایجان و ترکمنستان ۵- مرز قزاقستان و ترکمنستان ۶- مرز ایران و آذربایجان ۷- مرز ایران و ترکمنستان) تاکنون به یک کشمکش سیاسی- دیپلماتیک تبدیل شده است. در حالی که روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان، مرزهای مشترک خود را تعیین و در چارچوب توافقنامه‌های دوجانبه، شمال دریای خزر را میان خودشان تقسیم کرده‌اند، در منطقه میانی و جنوبی، هنوز مرزها نامشخص است.

پس از برکناری یلتیسین و ظهور پوتین و پس از آن با روی کار آمدن مدودف، رویکرد روس‌ها به مسائل و معادلات خزر بر اساس رهیافت واقع‌گرایی استوار بوده است. طبق این راهبرد، روس‌ها به این نتیجه رسیدند که مقدرات و امکانات رویارویی دائمی و مستمر در همه مناطق با آمریکا را ندارند و به جای آن بهتر است که امکانات و انرژی خود را صرف اولویت‌های مهم خود کنند. بنابراین، روس‌ها ضمن مشارکت در برنامه و پروژه‌های اقتصادی دریای خزر به جای رویارویی با قزاقستان و آذربایجان و سوق دادن آن‌ها به همکاری بیشتر با آمریکا ترجیح دادند که مرزهای خود را با این دو کشور در خزر در چارچوب توافق‌های دوجانبه مشخص کنند.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند، ضمن بهبود روابط با سایر کشورهای منطقه ساحلی، با روسیه به یک موضع واحدی برسد که در این صورت، روابط ایران با کشورهای دیگر، تابع روابط با روسیه خواهد بود. اگر روابط دوجانبه به نوعی به شفافیت برسند و به نوعی روسیه و ایران، سیاست پایداری اتخاذ کنند که تحت تأثیر عوامل فرا منطقه‌ای نباشد، نتیجه این خواهد شد که کشورهای دیگر منطقه به دلیل جایگاهی که دو کشور در منطقه دارند و به نوعی مهم‌ترین قدرت‌های منطقه محسوب می‌شوند، از مواضع آن‌ها تبعیت خواهند کرد. بنابراین وقتی ایران و روسیه بر سر یک سری اصول قابل اجرا به توافق برسند، برای این کار ایران باید مذاکرات جدی و شفافی را با روسیه دنبال کند، ضمن اینکه پیشنهادهای مطرح شده توسط ایران باید پیشنهادات واقعی باشند؛ به این معنا که روسیه را مجبور نکند که از لحظه اول نه بگوید؛ مثل مطرح کردن موضوع ۵۰ درصد. به هر حال، ایران اگر بتواند با روسیه کنار بیاید، مشکل سه کشور دیگر راحت‌تر قابل حل خواهد بود، اما اگر ایران سعی کند با هر یک از آن‌ها کنار بیاید و بعد روسیه را دور بزند، قضیه مشکل‌تر خواهد بود؛ چون هر یک از این سه کشور رابطه خوبی با روسیه دارند. درباره تقسیم بستر دریا، معیار اصلی برای تقسیم بستر دریاچه‌ها و دریاها، خط میانی

است. در صورت اعمال این معیار، سهم ایران حدود ۱۴ درصد خواهد شد، این سهم از نظر ایران غیرعادلانه است. پس چه باید کرد؟ در حوالی خط میانی، بسیاری از حوزه‌های نفتی به صورت مشترک بین ایران و آذربایجان از یک طرف و ترکمنستان و آذربایجان از سوی دیگر واقع شده است، این حوزه‌ها تقسیم‌ناپذیر و اختلاف برانگیز است. با توجه به تجربه کشورهای مختلف جهان که همگی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات ارضی و همچنین معطل نگذاشتن بهره‌برداری از منابع زیر بستر به ایجاد رژیم مناطق مشترک مبادرت کردند، به نظر می‌رسد بهترین راه‌حل برای فائق آمدن بر مشکلات رژیم حقوقی دریای خزر، ایجاد چنین مناطق مشترکی به صورت دو جانبه بین ایران و آذربایجان، ترکمنستان و آذربایجان و یا سه جانبه بین ایران، آذربایجان و ترکمنستان باشد. با ایجاد چنین مناطقی اولاً، شعاع این مناطق را با چانه‌زنی‌های سیاسی، می‌توان افزایش داد و از این طریق به پیشنهاد روسیه مبنی بر تقسیم برابر ۵۱ درصد بخش جنوبی دریا بین ایران، آذربایجان و ترکمنستان جامعه عمل پوشاند و در نتیجه، سهم ایران از دریا افزایش پیدا خواهد کرد. و ثانیاً، دغدغه ایران از تهی شدن منابع هیدروکربن دریای خزر آسوده خواهد شد، زیرا این منابع یا از مناطق انحصاری کشورها استخراج خواهند شد و یا در صورت استخراج از مناطق مشترک، عایدات آن در جهت منافع ملی ایران خواهد رفت. ثالثاً، پتانسیل اختلافات آینده نیز به حداقل خواهد رسید. تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ما نباید با معیارهای عددی درباره تقسیم دریا دلخوش گردند. مهم این است که چگونه می‌توان به حداکثر منافع ملی با توجه به معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی رسید و چنین نتیجه‌ای ضرورتاً در تقسیم درصدی دریا نهفته نیست.

به هر حال، تردیدی نیست که تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر بدون در نظر گرفتن منافع همه جانبه کشورهای ساحلی میسر نخواهد بود. حل مسائل دریای خزر و استفاده بهینه از منافع آن ایجاب می‌کند که صلح و آرامش در منطقه حکمفرما باشد و از هرگونه اقدامی که منجر به بروز تنش بین کشورهای ساحلی شود، خودداری شود. در چنین شرایطی است که می‌توان انتظار داشت که مذاکرات به منظور دستیابی به تصمیماتی مورد قبول همگان به نتیجه برسد. مقامات جمهوری اسلامی ایران باید در بازی شطرنج مذاکرات دریای خزر هوشمندانه عمل نمایند. دریای خزر برای ایران صرفاً اهمیت اقتصادی ندارد، بلکه ابعاد سیاسی و استراتژیک آن از اهمیت محوری برخوردار است. بنابراین، لازم است در مذاکرات دیپلماتیک، هر گونه پروژه عظیم در بستر، زیر بستر و

سطح آب، مشروط به وتوی کشورهای پنجگانه شود. در نهایت، با توجه به پتانسیل بالای دولت‌های ساحلی دریای خزر در زمینه‌های مختلف، ایجاد «سازمان اقتصادی کشورهای ساحلی» جهت استحکام همگرایی منطقه‌ای و افزایش منافع ملی کلیه اعضا از ضروریات به حساب می‌آید. همچنین، با توجه به تهدیدات دولت‌های فرا منطقه‌ای، ایجاد «نظام امنیتی دریای خزر» به منظور بازدارندگی و مداخلات ایالات متحده آمریکا و ناتو و نیز مدیریت بحران‌های پیش‌بینی نشده، حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد برای تحقق این اهداف استراتژیک، حل و فصل رژیم حقوقی دریای خزر به شیوه مطروحه، در اولویت خواهد بود.



پی‌نوشت‌ها

۱. محمدرضا دبیری، «رژیم حقوقی دریای خزر عاملی برای توازن و منافع و توازن امنیت»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی*، سال چهارم، دوره دوم، ۱۳۸۴، ص ۸۴.
- برای اطلاع بیشتر رک به:
علی اکبر جعفری، «رژیم حقوقی دریای خزر و تعاملات ایستاری دولت‌های ساحلی؛ راهکارها»، روزنامه توسعه، سال اول، شماره ۱۸۰، ۱۳۷۷، ص ۵.
۲. علی امیدی، «ایجاد منطقه مشترک راه‌حلی برای برون‌رفت از بن‌بست رژیم دریای خزر»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۲، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳.
۳. حسین کاظمپور اردبیلی، «نظام حقوقی دریای خزر، توسعه منابع و خطوط انرژی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۲۱، ۱۳۷۷، ص ۴۷.
۴. بهرام مسقیمی، «حفظ محیط زیست دریای خزر، راهکارهای دیپلماتیک»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰.
5. Merzliakov, 1999, *Legal status of the Caspian sea international Affairs*. Vol. 45, No. 2 March, p. 360.
۶. عباس ملکی، *سیاست ایران و دریای خزر* (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳) ص ۶۷.
۷. عباس ملکی، «فعالیت‌های کشورهای ساحلی برای حل مشکل رژیم حقوقی دریای خزر»، *فصلنامه مطالعات سیاسی مرکزی و قفقاز*، سال سیزدهم، شماره ۴۱، ص ۸.
رجوع کنید به:
- Bahman aghai diba, *The Legal Rogime of the Caspiansea: any Changes in the positions of Iran?* <http://www.payvand.com>
9. Abbas, Maleki, , *iran focus interview* (chairman of the II CS).
10. Farid Rauf oylu sha Fiyer, the Legal Regime of the Caspian sea, 30/2001. <http://www.jam stown. Org>
۱۱. صفت الله طاهری شمیرانی، «نظام حقوقی و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای



خزر»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۲، ص ۴۷۲-۴۵۵.

12. Rodman Bundy, 1996, *Legal Aspects of protecting the Environment of the Caspian*. Review of European community 8international Environmental Law: soas, No, 3, p.136

۱۳. بیانیه مشترک در خصوص مسائل دریای خزر تصویب شده توسط رؤسای جمهوری

آذربایجان و قزاقستان مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۶، ثبت شده در سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۹۶، A/۵۱/۵۲۹.

۱۴. نامه ثبت شده در سازمان ملل متحد، مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۸ و A/۵۳/۷۴۱.

۱۵. مرکز بررسی‌های استراتژیک، دریای خزر، رژیم حقوقی، مواضع کشورهای ساحلی و

حضور آمریکا، ص ۲۰۲.

16. Pittinger, *Christopher j Sherman and sterlig, Boundary Delimitation in the Caspian sea*. A Discussion of the Legal context.

۱۷. بهرام مسقیمی، *حفظ محیط زیست دریای خزر، راهکارهای دیپلماتیک* (تهران:

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴) ص ۱۰۴.

۱۸. صفت الله طاهری شمیرانی، «نظام حقوقی و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای

خزر»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۲، ۱۳۷۸، ص ۴۶۶-۴۶۵.

19. Matthew Riemer, , 2002, *Pinr on the Caspian sea Region, power and interest*, News Report, Dec.1.

20. Bahgat cawdat 2002, *Splitting waters: the Ceopolitics of Water Resources in the Caspian sea*.SAIS Rewiev vol.XXII,N. 2 Csummer-fall),PP.284.

21. *Nofundamental Differences, Agence France pressfeb*.

22. Sklyarov, 1996, “ the Region of Cooperation or Competition?” in The Conferehence on Caspian Region. Political Retreat, Energy Issues, and security structure, *conflict studies Research center, may,13-14,P.84*.

۲۳. حسین کاظمپور اردبیلی، «نظام حقوقی خزر، توسعه منابع و خطوط مرزی»،

فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۱، ۱۳۷۷، ص ۵۰-۴۴.

۲۴. بیانیه مشترک رؤسای جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان، ثبت شده نزد سازمان ملل

متحد به تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۹۸، A/۵۳/۴۵۳.

25. Dawood, Aghui, , *The legal Regime of the Caspian sea&*

Recent incident Between Azerbaigan and iran.(A vailable at www. A usunoil. Com).

۲۶. سید حسین میر فخرایی، «رژیم حقوقی دریای خزر، از انزوآگرایی تا همگرایی» *مجله*

پژوهش حقوق و سیاست، سال ششم، شماره ۱۰، ۱۳۸۳، صص ۲۰۰-۱۷۸.

۲۷. ناصر قبادزاده، *رژیم حقوقی، مواضع کشورهای ساحلی و حضور آمریکا* (تهران:

مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲.

۲۸. علی امیدی، «*ایجاد منطقه مشترک راه حلی برای برون‌رفت از بن‌بست رژیم حقوقی*

دریای خزر»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ص ۱۸۵.

۲۹. محمدباقر نوبخت، *دریاچه خزر در قرن بیست و یکم* (تهران: پژوهشکده تحقیقات و

استراتژیک)، ص ۱۰۲.

۳۰. بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در خصوص نتایج مشورت های

قزاقستان و روسیه منعکس شده در بیانیه مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۹۸ وزارت امور خارجه

قزاقستان، UN Document A/57/913.

۳۱. صابر محمدزاده، «مواضع جمهوری اسلامی ایران در مسایل دریای خزر»، *مجله بندر*

و دریا، ۱۳۸۷، شماره ۱۵.

۳۲. محمود واعظی، *ژئوپولیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز* (تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۷) ص ۳۰۰.

33. www.knabur on line. Ir/news-7084.uspx.

34. <http://strategieview. Blogspot. Com/ 2009/05/blogpost-5032.html>

۳۵. گروه سیاسی، ۱۳۸۶، «نشست ۵ رئیس در تهران» *روزنامه ایران*، سال سیزدهم، ش

۳۷۶۲، چهارشنبه ۲۵ مهرماه، ص ۵.

36. Robert, Freedman, , 2000, “ Russian-Iranian Relations in the 1999s” *Middle East Review of International Affairs*, Vol 4, No. 2, June